

نوشدگی (مدرنیته) در اندیشه و عمل حضرت امام خمینی (ره)

(ارائه مقاله در بخش دانشجویی کنگره)

سمیه عمیقی ابرقویی^۱

چکیده

در مقاله حاضر که به روش کتابخانه‌ای تدوین شده است، نوشدگی (مدرنیته) در اندیشه و عمل امام خمینی (ره)، از دو منظر مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش اول، اندیشه‌ها و گفتارهای نوینی که مختص به خود امام بوده است بررسی شده که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ۱- بازآیای دو مفهوم استضعاف و استکبار توسط امام. ۲- گوشزد کردن خطر اسرائیل برای جهان اسلام. ۳- بیان فلسفه حج ۴- توضیح مفهوم قوم‌گرایی و ملی‌گرایی.

در بخش دوم مقاله، مواضع امام در قبال تمدن جدید مورد بررسی قرار گرفته است. از آن‌جایی که موضع امام نسبت به تمدن جدید یک موضع پذیرا همراه با نقد و انتخاب است، بنابراین ابتدا معیارهای نقد و انتخاب امام نسبت به تمدن جدید شناسایی شده است؛ سپس به استخراج آراء امام نسبت به اهداف این تمدن جدید پرداخته شده که مهم‌ترین این اهداف عبارت‌اند از: ۱- دموکراسی. در حوزه دموکراسی امام به عنوان یک متفکر اسلامی، اسلام را موافق با دموکراسی می‌داند و خود نیز آن را می‌پذیرد؛ اما برای آن دو شرط اساسی را لازم می‌داند و آن این‌که از یک طرف حکومت باید بر مبنای قوانین و تعالیم اسلام باشد و از طرف دیگر مورد خواست و تأیید اکثریت مردم باشد. ۲- آزادی: آزادی یکی از مفاهیمی است که امروزه مدرنیته بر آن تأکید دارد. در این مقاله سعی شده که تعریف نوین مفهوم آزادی (آزادی در حکومت اسلامی، آزادی بیان، آزادی احزاب و آزادی مطبوعات) در اندیشه و عمل امام مورد بررسی قرار گیرد. ۳- برابری: سومین مفهوم مورد تأکید مدرنیته، مفهوم برابری است. از نظر امام همه انسان‌ها اعم از زن و مرد، سیاه و سفید با هم برابرند و ملاک برتری آنان تقوا و پاکی است.

از بررسی آثار امام خمینی این طور استنباط و نتیجه‌گیری می‌شود که ایشان خود را نسبت به تغییرات و پیشرفت‌های صورت گرفته در سراسر دنیا پذیرا نشان می‌داد ولی در عین حال منتقد و انتخاب‌گر بود.

واژگان کلیدی: امام خمینی، نوشدگی، مدرنیته، جهان اسلام، دموکراسی، برابری، آزادی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه یزد

مقدمه

شناخت اندیشه امام خمینی به عنوان یک مصلح دینی، در جهان معاصر، برای مسلمانان بسیار بااهمیت است و به عنوان یک الگو مورد توجه می‌باشد؛ زیرا امام خمینی تلاش نمود بین مذهب و سیاست و جهان معاصر پیوند مجددی برقرار سازد و جایگاه معنویت و دین‌گرایی را در جهان معاصر احیاء سازد و رابطه تخریب شده دین و دنیا و عقل و دین را بازسازی کند و از مدلی از توسعه و پیشرفت که بتواند انسانیت انسان را ارتقا بخشد و معنویت و پیشرفت را در کنار هم داشته باشد، حمایت نمود. مجموعه این تفکرات، دغدغه اصلی انسان مسلمان امروز است و به همین دلیل، شناخت اندیشه امام خمینی به عنوان اندیشمند دین‌آشنا که تلاش نموده است به این دغدغه‌ها پاسخ دهد و راهکار برون‌رفت از آن‌ها را مطرح سازد، برای همه کسانی که این دغدغه‌ها را دارند بسیار بااهمیت است و شناخت آن می‌تواند در جهت حل بسیاری از مشکلات امروز جامعه راهگشا باشد (فوزی، ۱۳۸۴، ص ۱۶).

۱- بخش اول: نگاهی نو به تهیدها و فرصت‌های موجود در جهان اسلام از سوی حضرت امام خمینی (ره)

۱-۱- بازاحیای دو مفهوم استضعاف و استکبار از دیدگاه امام خمینی

استضعاف و استکبار دو مفهومی هستند که با پیروزی انقلاب اسلامی جانی تازه گرفتند. اهمیت این دو مفهوم از آن جهت است که هر یک از آن‌ها دارای معانی بکر و محتوای تازه‌ای هستند که تاکنون در علم سیاست قدیم و حتی علوم سیاسی مدرن مورد توجه قرار نگرفته‌اند. دو اصطلاح مستکبر و مستضعف نه در برابر هم نوع خود، بلکه در برابر خداوند معنا می‌یابد. مستضعف فردی است که از جایگاه خلیفه الهی به ضعف گراییده و سقوط کرده است و مستکبر فردی است که بر عکس، جایگاهی فراتر جانشینی خداوند برای خود می‌طلبد و گویی می‌خواهد صفت کبریایی خداوند را از آن خود کند. در نتیجه، پیکار مستضعفان با مستکبران بر اساس تضاد طبقاتی نیست، بلکه یک مبارزه اصولی و برخاسته از پایه‌های فکری اعتقادی است که ریشه در دین دارد.

امام خمینی مستکبران را منحصر به سلاطین و روسای جمهور نمی‌داند و برای واژه مستکبران یک معنای عام‌تری قائل هستند. یک مصداقش را اجانب می‌داند که تمام ملت‌ها را ضعیف می‌شمارند و مورد تعدی و تجاوز قرار می‌دهند و مصداق دیگر را همان دولت‌های جائر و سلاطین ستمگر می‌داند که ملت‌های خودشان را ضعیف می‌شمرند و به آنها تعدی می‌کنند.

ایشان در یکی از سخنرانی‌هایشان، انقلاب را فرصتی برای آزادی و استقلال معرفی کردند و این که خداوند این آزادی را به ما ارزانی داشته تا ببیند که ما با آن چه می‌کنیم، آیا ما هم از مستکبران می‌شویم یا از مستضعفان، آیا آزادی را وسیله‌ای برای خدمت به خلق و یا آن را برای مخالفت با خدا و استکبار بر مردم قرار می‌دهیم. امام در این سخنرانی چنین می‌فرماید :

«امروز روزی است که خدای تبارک و تعالی به ما آزادی و استقلال مرحمت فرموده است، و ما را با این آزادی و استقلال امتحان می‌کند. ما را آزادی مرحمت فرموده است که ببیند در این آزادی ما چه می‌کنیم. ما مستقل شدیم و خداوند به ما این مرحمت را فرمود تا ما چه بکنیم: آیا ما هم از مستبکران باشیم یا از مستضعفین؟ هر فرد، می‌شود که مستکبر باشد و می‌شود مستضعف باشد. اگر من به زیردست‌های خودم، ولو چهار نفر باشد، تعدی و تجاوز کردم و آنها را کوچک شمردم بنده خدا را کوچک شمردم، من مستکبرم و او مستضعف؛ و مشمول همان معنایی است که مستکبرین و مستضعفین هستند. اگر شما کسانی که زیردستان هست ضعیف شمردید و به آنها خدای نخواستہ تعدی کردید، تجاوز کردید، شما هم مستکبر می‌شوید، و آن زیردست‌ها مستضعف. ببینیم ما از این امتحان، از این بوته امتحان چطور بیرون می‌آییم. آیا سرفراز بیرون می‌آییم یا گردن کج و شکسته؟ آیا ما با بندگان خدا به طوری که خدای تبارک و تعالی فرموده است رفتار می‌کنیم؟ حالا که آزاد شدیم، آزادی را وسیله برای خدمت به خلق و خدمت به خالق قرار می‌دهیم. یا آزادی را برای مخالفت با خدا و استکبار بر مردم» (استضعاف و استکبار از دیدگاه امام خمینی، ۱۳۸۶، ص ۴)

شاید بتوان آنچه را که امام از عوامل استضعاف برمی‌شمارند به دو بخش تقسیم کرد: یکی آن عواملی است که در ارتباط با خود مسلمین است و دیگری آن عواملی هستند که در ارتباط با ابر قدرت‌ها و خصوصیات اخلاقی آنان است.

عواملی که امام آن را در ارتباط با خود مسلمین می‌دانند عبارت‌اند از:

الف- غفلت مسلمین از اسلام و قرآن

امام مشکل عمده مسلمین را همان دوری از اسلام و قرآن می‌دانند و معتقدند که اگر مسلمین به این فرمان خدای تبارک و تعالی که فرموده است «همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید» عمل می‌کردند، تمام مشکلاتشان اعم از مشکلات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... رفع می‌شد و هیچ قدرتی نمی‌توانست با آن مقابله کند. ایشان در یکی از سخنرانی‌هایشان می‌فرمایند:

«آنچه گفته شده و می‌شود که انبیاء - علیهم السلام - به معنویات کار دارند و سررشته‌داری دنیایی مطرود است و انبیاء و اولیاء و بزرگان از آن احتراز می‌کردند و ما نیز باید چنین کنیم، اشتباه تأسف‌آوری است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملت‌های اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خونخوار است؛ زیرا آنچه مردود است حکومت‌های شیطانی و دیکتاتوری و ستمگری است که برای سلطه‌جویی و انگیزه‌های منحرف و دنیایی که از آن تحذیر نموده‌اند، جمع‌آوری ثروت و مال و قدرت‌طلبی و طاغوت‌گرایی است و بالاخره دنیایی است که انسان را از حق تعالی غافل کند» (همان منبع، ص ۲۵).

ب- غفلت و ساده‌اندیشی مسلمین

امام در یکی از سخنرانی‌هایشان به ساده‌اندیشی مسلمین اشاره‌ای دارند و می‌گویند که این ابرقدرت‌ها با مجامع حقوق بشر به دنبال این هستند که حقوق بشر را از بین ببرند. امام در این سخنرانی فرمودند:

«ما تا کی باید خواب باشیم؟ ما تا کی ساده‌اندیش باشیم؟ شما آقایان چرا ساده‌اندیشی می‌کنید؟ در بلاد خودتان که می‌روید بگویید به مردم، بگویید به دنیا، که با دنیا دارند چه می‌کنند این قدرتمندها، این‌ها با ضعفا دارند چه می‌کنند. این‌ها، اتیوپی که آن همه بیچاره‌ها دارند رنج می‌برند، می‌میرند از گرسنگی، گندم‌هایشان را می‌ریزند تو دریا، خرج سلاح‌هایی می‌کنند که همه عالم را از بین ببرند. این‌ها انسان‌دوستند! این‌ها با این صورت انسان‌دوستی می‌خواهند همه ما را پایمال کنند، این‌ها با این مجامع حقوق بشر می‌خواهند حقوق بشر را از بین ببرند» (همان منبع، ص ۲۴).

ج- نفاق

امام در یکی از موضع‌گیری‌های شدیدی که نسبت به سران مسلمین داشتند، آنها را به خاطر این‌که از یک طرف خودشان را طرفدار اسلام معرفی می‌کنند و از طرف دیگر بر خلاف نص قرآن و سنت رسول و برخلاف مصالح مسلمین رفتار می‌کنند، سرزنش می‌کند.

عواملی که در ارتباط با ابرقدرت‌ها و خصوصیات اخلاقی آنان است، عبارت‌اند از :

الف- بیماری روحی مستکبران

امام معتقدند که «مستکبرین، جهان را از آن دید خاص استکباری خود و آن بیماری روحی که در آنها هست نگاه می‌کنند و این بیماری موجب این شده است که توده‌های بزرگ ملت‌ها را این‌ها از جهان حساب نکنند» (همان منبع، ص ۱۴). از جمله این بیماری روحی که موجب شده است تا مستکبران بر مستضعفان ظلم کنند، حب نفس و حب جاه است. امام در یکی از سخنرانی‌هایشان فرمودند :

«من عرض می‌کنم که اساس این گرفتاری‌هایی که بشر به آن مبتلاست، از زمان آدم صلی‌الله‌تعالی‌علیه‌السلام تا امروز و از امروز تا روز حشر، آنکه بشر به آن مبتلاست و اساس تمام فسادها و جنگ‌ها و ظلم‌ها و تعدی‌ها و تجاوزها بر آن محور است، اساسش حب نفس است... حب قدرت است که آمریکا را وادار می‌کند که این جنایت‌هایی که در طول تاریخ بی‌سابقه است، انجام بدهد و حب سلطه و ریاست است که شوروی را برمی‌انگیزد که این‌طور با مردم دنیا و مظلومین دنیا رفتار کند. و حب نفس است که کشورهای اسلامی، سران کشورهای اسلامی در مقابل جنایاتی که از این قدرت‌ها واقع می‌شود و از وابستگان آنها واقع می‌شود بی‌تفاوتند. اگر این حب نفس در این سران کشورهای اسلامی نبود و این حب جاه و قدرت نبود، با این فجایع که واقع شده است، با این ظلم‌هایی که واقع شده است بر ایران و بدتر از او بر لبنان، نمی‌نشستند و تماشا کنند» (همان منبع، ص ۲۰).

ب- خودبینی و اخلاق حیوانی

امام یکی دیگر از خصوصیات اخلاقی مستکبران را خودبینی و اخلاق حیوانی آنها می‌داند و می‌فرماید: «این مفاسدی که در دنیا هست و الآن این جنجالی که در دنیا هست و این‌طور به جان هم افتاده‌اند همه‌اش برای این است که، توجه به خود دارند و توجه به خدا ندارند، اخلاق الهی ندارند، اخلاق حیوانی؛ و هر روز این اخلاق حیوانی را زیاد می‌کنند... اگر دنیا در آتش این دو ابرقدرت می‌سوزد برای همان هوای نفسی است

که عمال این دو ابرقدرت و خود آنها دارند. اگر کشورهای اسلامی در آتش این مفاسد می‌سوزد برای این است که کسانی که متصدی آن امور هستند هواهای نفسانی دارند و خودشان را می‌بینند و همه را برای خود می‌خواهند» (همان منبع، ص ۲۳).

ج- اتفاق ابرقدرت‌ها در عقب‌نگه داشتن کشورهای جهان سوم

امام در دیگر سخنرانی خود اتفاق ابرقدرت‌ها را عامل به استضعاف کشیده شدن مسلمانان می‌داند. ایشان می‌فرمایند: «کسانی که اندک تفکری در اوضاع کشورهای اسلامی بنمایند به وضوح خواهند دانست که آنچه دو ابرقدرت جهان و قدرت‌های تابع این قدرت‌ها با هم اتفاق دارند - و هیچ‌گاه از این اتفاق دست‌بردار نیستند - عقب‌نگه داشتن کشورهای جهان سوم، خصوصاً کشورهای پهناور و غنی اسلامی، در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و نظامی است، و تحمیل جهات استعماری در تمامی امور مذکوره بر جهان سوم می‌باشد» (همان منبع، ص ۲۴).

بعد از این که امام استضعاف را معرفی کردند، ایشان در برخی از سخنرانی‌هایشان به آثار و نتایج ناشی از این شرایط اشاره می‌کنند که عبارت‌اند از:

الف- تحمیل نظام اقتصادی ظالمانه

ایشان می‌فرمایند: «استعمارگران به دست عمال سیاسی خود، که بر مردم مسلط شده‌اند، نظامات اقتصادی ظالمانه‌ای را تحمیل کرده‌اند، و بر اثر آن مردم به دو دسته تقسیم شده‌اند: ظالم و مظلوم. در یک طرف، صدها میلیون مسلمان گرسنه و محروم از بهداشت و فرهنگ قرار گرفته است و در طرف دیگر، اقلیت‌هایی از افراد ثروتمند و صاحب قدرت سیاسی، که عیاش و هرزه‌گرد و فاسدند» (همان منبع، ص ۲۹).

ب- وابستگی اقتصادی

یکی دیگر از این آثار، وابستگی اقتصادی است. امام فرمودند: «اصلاحات اراضی به امر دولت آمریکا بود برای این که بازار درست کنند که چیزهای آنها فروش برود؛ یعنی زراعت ما به هم بخورد، ما محتاج شویم. الآن هم که می‌بینید، که هر چی می‌خواهیم از خارج باید بیاید» (همان منبع، ص ۳۲).

ج- هدر رفتن نیروهای فعال انسانی در کشورهای مستضعف

از آثار دیگر از نظر امام، هدر رفتن نیروهای فعال انسانی است. ایشان فرمودند: «جنایاتی که سلسله پهلوی در جامعه ما کرد، شاید هیچ جنایتی بالاتر از این جنایت نبود که نیروهای فعاله انسانی ما را، یا از بین بردند یا فعالیت آنها را خنثی کردند برای مدت‌های زیاد.... نیرویی که باید در جامعه فعال باشد، اگر مدرس است، عده‌ای را تربیت بکند، اگر محصل است خودش تربیت بشود، اگر فعالیت‌های سیاسی دارد، فعالیت سیاسی بکند، فعالیت‌های مذهبی دارد، فعالیت‌های مذهبی بکند، تمام این‌ها را این‌ها به هدر دادند» (همان منبع، ص ۳۳).

د- ایجاد تفرقه

و بالاخره از آثار مهم استضعاف و استکبار، ایجاد تفرقه را بیان می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «مخالفین ما کوشش می‌کنند که در تمام جاهایی که ممالک مستضعفین هست، و ملت‌های مستضعف هست، چه ملت‌های اسلامی و چه غیر اسلامی که مستضعف هستند کوشش می‌کنند که با فعالیت‌های متعدد بین این‌ها جدایی بیندازند، بین این‌ها تفرقه بیندازند» (همان منبع، ص ۳۵).

۲-۱- گوشزد کردن خطر اسرائیل^۱

به نظر حضرت امام خمینی (ره) مشکل در این است که همه دول اسلامی و ملت‌های اسلام می‌دانند که درد چیست، می‌دانند که دست‌های اجانب در بین است که این‌ها را متفرق از هم بکنند، می‌بینند که با این تفرقه‌ها ضعف و نابودی نصیب مسلمانان می‌شود، می‌بینند که دولت پوشالی اسرائیل در مقابل فلسطین ایستاده که اگر مسلمین مجتمع بودند هر کدام یک سطل آب به اسرائیل می‌ریختند او را سیل می‌برد، مع‌ذالک در مقابل او زبون هستند، معما این است که با این‌ها که این‌ها را می‌دانند، چرا به علاج قطعی که آن اتحاد و اتفاق است روی نمی‌آورند؟ چرا توطئه‌هایی که استعمارگرها برای تضعیف آنها به کار می‌برند، آنها توطئه‌ها را خشی نمی‌کنند؟ آیا این معما چه وقت باید حل شود؟ و پیش کی باید حل بشود؟ این توطئه‌ها را کی باید خشی کند غیر از دولت‌های اسلام و ملت‌های مسلمین؟ این معمایی است که شما اگر جوابی دارید و حل کردید، این معما را به ما هم تذکر بدهید.

لذا ایشان رهنمودهای مهمی درباره برخورد با اسرائیل دارند به ویژه در این شرایط که عده‌ای در داخل ایران می‌کوشند شعار مبارزه با اسرائیل و آرمان فلسطین را کمرنگ سازند بسیار مهم می‌باشد. این رهنمودها عبارت‌اند از:

الف. لزوم ایستادگی و مقابله مسلمانان جهان با اسرائیل

ب- لزوم پشتیبانی از مجاهدین فلسطینی و مبارزه با صهیونیسم و اسرائیل

ج- لزوم مبارزه با همه مسلمانان علیه اسرائیل

د- لزوم مبارزه با فلسفه وجودی اسرائیل در منطقه

ه- لزوم گوشزد کردن خطر اسرائیل که متوجه همه خاورمیانه و سرزمین‌های اسلامی است.

و- لزوم براندازی و محو اسرائیل در منطقه

ز- تحریم اسرائیل

ح- خطری که از سوی اسرائیل در منطقه مشاهده می‌شود.

۱. برگرفته از پایگاه www.ImamKhomeini.com مبحث استراتژی امام در مورد اسرائیل

۳-۱- بیان فلسفه حج

یکی دیگر از اندیشه‌های نوینی که توسط امام مطرح شد بررسی جایگاه و قابلیت‌های نهفته در حج برای بسیج مسلمانان از ابعاد گوناگون می‌باشد. در ابتدا به بررسی جایگاه حج و بعد معنوی آن از دید امام پرداخته می‌شود و بعد از آن بُعد اجتماعی و بُعد سیاسی حج مورد توجه قرار می‌گیرد.

امام به مناسبت‌های مختلف از حج و فلسفه آن سخن به میان آورده‌اند و از آن به فریضه عبادی - سیاسی اسلام یاد می‌کنند و از مسلمانان می‌خواهند که با اتکال به خدای بزرگ در آن مکان عظیمه، پیمان اتحاد و اتفاق در مقابل جنود شرک و شیطنت ببندند و از تفرقه و تنازع بپرهیزند. همچنین به حجاج محترم توصیه می‌کنند که گرد آمده و در مصالح اسلام و مشکلات مسلمین تبادل آراء نموده، و در حل مشکلات و راه رسیدن به آرمان‌های مقدس اسلام، تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند و راه‌های اتحاد بین همه طوایف و مذاهب اسلامی را بررسی کنند. امام راه رسیدن به این اتحاد را دعوت و تبلیغ دامنه‌دار و مرکز این دعوت و تبلیغ را مکه معظمه در زمان اجتماع مسلمین برای فریضه حج می‌دانند.

امام معتقدند که حج را باید کانون مبارزه علیه استکبار قرار داد و در این باره می‌فرمایند: «مکه مکرمه را با هماهنگی زائران سراسر جهان به کانون فریاد علیه ستمگران تبدیل کنید؛ که این یکی از اسرار حج است و خداوند، غنی از لیبک‌ها و عبادات بشر است» (حج در کلام و پیام امام خمینی، ۱۳۸۵، ص ۷۹).

«مسلمین باید در حج وقتی که می‌روند یک حج زنده، یک حج کوبنده، یک حجی که محکوم کنند این شوروی جنایتکار و آن آمریکای جنایتکار را، یک همچو حجی، حجی است که مقبول است» (همان منبع، ص ۸۳).

و بالاخره امام از مسلمانان می‌خواهند که حج را موقعیتی برای اعلان برائت از مشرکان قرار دهند و می‌فرمایند: «اعلان برائت از مشرکان که از ارکان توحیدی و واجبات سیاسی حج است، باید در ایام حج به صورت تظاهرات و راهپیمایی با صلابت و شکوه هر چه بیشتر و بهتر برگزار شود (همان منبع، ص ۱۰۰).

۴-۱- قوم‌گرایی و ملی‌گرایی

حضرت امام برای پیشبرد اهداف جهانی اسلام و تحقق امت واحد اسلامی هرگز پایبند به محدودیت‌های ملی نبود. امت اسلامی در اندیشه امام شامل همه مسلمانانی است که فرای مرزهای جغرافیایی و اختلافات نژادی و زبانی و قومی قرار می‌گیرند و فارغ از هر مذهب، پیرو دین اسلام هستند. نگرش امام به قومیت، ملیت و اندیشه فراملی از ظرافت خاصی برخوردار است؛ ایشان تا هنگامی به قومیت، حب وطن و احساسات پاک ملی‌گرایانه ارجح می‌نهند که در قالب یک ایدئولوژی در مقابل اسلام قرار نگرفته باشد، در غیر این صورت با آن به شدت برخورد کرده و از خود موضع نشان می‌دهند. بنابراین ایشان قومیت و ملیت را تنها در حدود اسلام و در سایه تعالیم آن می‌پذیرند (قومیت، ملیت و اندیشه فراملی از دیدگاه امام خمینی، ۱۳۸۵).

از نظر امام، قوم‌گرایی و ملی‌گرایی ابزار مخالفت با اسلام و ابزار سلطه استعمارگران بر مسلمانان. در یکی از سخنرانی‌ها امام مقصود بزرگ: ابزار مخالفت با اسلام و ابزار سلطه استعمارگران بر مسلمانان. در یکی از سخنرانی‌ها امام قوم‌گرایی و ملی‌گرایی را ابزار مخالفت با اسلام می‌داند و می‌فرماید: «این مسائل بسیار محتمل است که از دست‌هایی که می‌خواهند ممالک اسلامی با هم وحدت پیدا نکنند پیش آمده است. قضیه عرب را پیش کشیده‌اند و عجم را. در داخل ممالک، قضیه کرد را و عرب را و فارس را ... این‌ها جدایی می‌خواهند بیندازند و لهذا برخلاف منطق اسلام، این ملیت‌ها پان‌ایران‌یسم، پان‌ترکیسم، از این ایسم‌ها درست می‌کنند. و مقصد آنها این است که این‌جا اسلام و منطق اسلام نباشد. و ملیت‌ها را پیش بکشند و جدا کنند اسلام را، بعض طایفه‌اش را از طایفه دیگر» (همان منبع، ص ۹).

در جای دیگر امام ملیت‌گرایی را ابزار سلطه استعمارگران بر مسلمانان می‌داند و می‌فرماید: «نقشه‌های قدرت بزرگ که می‌خواهند مسلمین را زیر سلطه خود بیاورند و مخازن آنها را به غضب ببرند و اموال آنها را به چپاول ببرند از سال‌های طولانی دنبال نقشه‌هایی بودند، که از نقشه‌های بزرگ آنها مسئله ملت‌گرایی است... نقشه قدرت‌های بزرگ و وابستگان آنها در کشورهای اسلامی این است که این قشرهای مسلم را که خدای تبارک و تعالی بین آنها اخوت ایجاد کرده است... از هم جدا کنند... بلکه با هم دشمن کنند و این درست برخلاف مسیر اسلام است و مسیر قرآن» (همان منبع، ص ۱۸).

امام خمینی (ره) ملیت را در سایه اسلام می‌پذیرد و می‌فرماید: «ما ملیت را در سایه تعالیم اسلام قبول داریم... ملت، ملت ایران است، برای ملت ایران هم، همه جور فداکاری می‌کنیم، اما در سایه اسلام است، نه این‌که همه‌اش ملیت و همه‌اش گبریت» (همان منبع، ص ۲۴).

۲- بخش دوم: مواضع حضرت امام خمینی (ره) در قبال تمدن جدید

موضع امام در قبال تمدن جدید موضع پذیرش همراه با نقد و انتخاب است. در این‌جا معیارهای نقد و انتخاب ایشان مورد بحث قرار می‌گیرد؛ زیرا این معیارها هستند که نوع نقد و انتخاب را مشخص می‌سازند و موضع را از سایر مواضع متمایز می‌سازند. عمده‌ترین معیارها از دید امام سه شاخص و معیار زیر می‌باشد:

الف- معیار اول عبارت است از تعالیم و احکام اسلام

اسلام، اصلی‌ترین معیار نقد و انتخاب حضرت امام در قبال پدیده‌های تمدن جدید و اصولاً هر موضوع دیگر است. «اسلام همه چیز است» (حسنی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴).

ب- معیار دوم عبارت است از مصالح جامعه، کشور و مردم

بدیهی است از نظر امام این معیار با معیار اصلی که اسلام است تناقض ندارد. امام معتقد است اسلام مصلحت جامعه است و مغایر با مسائل مردم و جامعه نیست. امام بر مصلحت جامعه و کشور تکیه بسیار کرده است و اصولاً احکام ثانویه و احکام حکومتی مد نظر امام، که حتی می‌تواند فراتر از چارچوب احکام اولیه اسلام باشد، مبتنی بر مصلحت جامعه، کشور، مردم و توانایی اسلام (مصلحت اسلام) برای اداره و پاسخگویی به نیازهاست. از نظر امام: روابط خارجی ما بر اساس حفظ آزادی، استقلال و حفظ مصالح و منافع اسلام و مسلمین است. سیاست ما همیشه بر مبنای حفظ آزادی، استقلال و حفظ منافع مردم است که این اصل را هرگز فدای چیزی نمی‌کنیم (همان منبع، ص ۱۲۶).

ج- سومین معیار عبارت است از عدم وابستگی و استقلال

با توجه به سابقه تاریخی رابطه سلطه‌جویانه غرب با کشورها، امام همواره به غرب با حفظ حساسیت خاص نسبت به خدشه‌دار شدن استقلال کشور نگاه کرده است. به رسمیت شناختن تمدن جدید و پذیرش آن مانع از آن نیست که امام آن را مورد نقد قرار ندهند. بلکه امام با تکیه بر معیارهایی که قبلاً آمد همواره تمدن جدید و دستاوردهای آن را مورد نقد قرار داده و مواردی را که طبق معیارهای ایشان قابل پذیرش و مقبول بوده است از موارد دیگری که با معیارها ناسازگار بوده‌اند تفکیک کرده و در واقع دست به انتخاب زده‌اند و مواردی را پذیرفته و مواردی را نفی کرده‌اند: «ما پیشرفت‌های دنیای غرب را می‌پذیریم، ولی فساد غرب را که خود آنان از آن ناله می‌کنند نه» (همان منبع، ص ۱۲۸).

۲-۱ امام خمینی(ره) و پذیرش دموکراسی، آزادی و برابری

امام خمینی به عنوان یک متفکر اسلامی، اسلام را موافق دموکراسی می‌داند و در نتیجه خود آن را می‌پذیرد. ایشان ضمن موافق نشان دادن اسلام با دموکراسی، دموکراسی را نیز به وضوح از حکومت استبدادی متمایز می‌سازند: «می‌گویند که ما می‌خواهیم که یک مملکتی باشد دموکراسی باشد. شما حساب بکنید که ببینید که اسلام... یک رژیم دموکراسی بوده است یا یک رژیم قلدری و استبدادی بوده؟» (همان منبع، ص ۱۸۴).

امام در جای دیگر در مقابل این سؤال که چرا جمهوری دموکراتیک اسلامی نه، و فقط جمهوری اسلامی؟ اظهاراتی دارند که طی آن صریحاً می‌گویند که دموکراسی در خود کلمه اسلام مستتر است و نیازی به اضافه کردن قید «دموکراتیک» از جهت اتکای به دموکراسی نیست. امام در این رابطه فرمودند: «بله این مسائلی دارد [اضافه کردن کلمه دموکراتیک] یک مسئله این است که این توهم، این را در ذهن می‌آورد که اسلام محتوایش خالی است از این، لذا احتیاج به این است که یک قیدی پهلویش بیاورند و این برای ما بسیار حزن‌انگیز است

که در محتوای یک چیزی که همه چیزها به طریق بالاتر و مهم‌ترش در آن هست، حالا ما بیایم بگوییم که ما اسلام می‌خواهیم و اما با اسلام‌مان دموکراسی باشد. اسلام همه چیز است. مثل این است که شما بگویید که ما اسلام را می‌خواهیم و می‌خواهیم که به خدا هم اعتقاد داشته باشیم ولی به شرط این که به خدا هم معتقد باشیم» (همان منبع، ص ۱۸۵).

امام خمینی در جهت اجرای دموکراسی در کشور معتقد به دو پایه اساسی هستند: یکی پایه مشروعیت حکومت و دیگری پایه مقبولیت مردم و تبعیت آن‌ها.

الف- امام و پایه شرعیت حکومت

امام معتقد بودند تا زمانی که یک حکومت شرعیت الهی پیدا نکند تمام شئون آن طاغوتی خواهد بود مگر این‌که توسط شرع مقدس، مشروعیت پیدا کند. به نظر امام: «واضح است که حکومت به جمیع شئون آن و ارگان‌هایی که دارد، تا از قِبَل شرع مقدس و خداوند تبارک و تعالی شرعیت پیدا نکند، اکثر کارهای مربوط به قوه مقننه و قضائیه و اجرائیه بدون مجوز شرعی خواهد بود و دست ارگان‌ها که باید به واسطه شرعیت آن باز باشد بسته می‌شود و اگر بدون شرعیت الهی کارها را انجام دهند، دولت به جمیع شئونه طاغوتی و محرم خواهد بود» (همان منبع، ص ۱۸۶).

ب- امام و مقبولیت مردم (اکثریت) و تبعیت آنها

امام در این باره فرمودند «این‌جا آرای ملت حکومت می‌کند، این‌جا ملت است که حکومت را در دست دارد و ارگان‌ها را ملت تعیین کرده است و تخلف از حکم ملت برای هیچ یک از ما جایز نیست و امکان ندارد» (پهلوان، ۱۳۷۸، ص ۳۶).

۲-۲- امام خمینی و آزادی

از آن‌جایی که آزادی یکی از دستاوردهای تمدن جدید غرب محسوب می‌شود، به بررسی موضع امام خمینی در مقابل این مسئله می‌پردازیم. امام خمینی نه تنها آزادی را می‌پذیرند بلکه به آن تعلق خاطر دارند و در طول دوران مبارزه سیاسی آن را یکی از اهداف مبارزه خود محسوب می‌داشتند. ولی آزادی مورد نظر ایشان با مفهوم آزادی غربی متفاوت است و به دلیل همین تفاوت و تمایز، ایشان مفهوم آزادی را متعلق به دوران جدید نمی‌دانند، بلکه معتقدند پیامبر اسلام بنیانگذار آزادی بوده‌اند.

موضع ایشان در مقابل آزادی بسته به این که قید آزادی چه باشد، متفاوت است. اما در برخی از مهم‌ترین انواع آزادی مانند آزادی سیاسی و اجتماعی، اقتصادی، افکار، ... ضمن قبول و حمایت از آن‌ها، محدودیت‌های برای آنان قائل‌اند. اصل آزادی، مطلوب ایشان است، ولی حدود و ثغور آن از حدود و ثغور آزادی غربی متفاوت است. محدودیت‌های مورد نظر امام به طور عمده به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف- محدودیت‌هایی که ناظر بر مصالح جامعه، مردم و حفظ ثبات نظام اجتماعی، سیاسی است. «سیاست ما همیشه بر مبنای حفظ آزادی، استقلال و حفظ منافع مردم است که این اصل را هرگز فدای چیزی نمی‌کنیم» (حسنی، ۱۳۸۵، ص ۲۰۷).

ب- محدودیت‌های منبعث از التزام حکومت و جامعه به دیانت اسلام است. «و اما طرز حکومتی که ما پیشنهاد می‌کنیم، حکومت جمهوری اسلامی است و اساسش بر آزادی و استقلال کشور و عدل و تعدیل تمام دستگاه‌های دولتی است» (همان منبع، ص ۲۰۷). از جمله شاخص‌های آزادی از نظر امام می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (آزادی از دیدگاه امام خمینی، ۱۳۷۸):

الف- آزادی در حکومت اسلامی

ب- آزادی در اظهار عقیده

ج- آزادی احزاب

د- آزادی اقلیت‌های مذهبی

ه- آزادی مطبوعات

۳-۲- امام خمینی (ره) و برابری

سومین مفهوم مورد تأکید مدرنیته، مفهوم برابری است. از نظر امام همه انسان‌ها اعم از زن و مرد، سیاه و سفید با هم برابرند و ملاک برتری آنان تقوا و پاکی است. از جمله شاخص‌های برابری از نظر امام می‌توان به لغو امتیازات موروثی، برابری در مقابل قانون و دسترسی همگان به دادگستری و قوه قضائیه، وجود فرصت‌های برابر و برابری سیاسی و برای اقلیت‌های دینی اشاره نمود. امام در این زمینه فرمودند: اسلام همه چیز است؛ و جمهوری اسلامی حق همه گروه‌ها را با عدالت اسلامی ادا خواهد کرد (قومیت و ملیت از دیدگاه امام، ۱۳۸۵، ص ۲۴).

در این قسمت از مقاله به بررسی دیدگاه امام نسبت به برابری زن و مرد و توجه اسلام به زن به عنوان جنسیت نابرخوردار از حق برابر در مقایسه با جنسیت مردان پرداخته می‌شود.

- حقوق زن در اسلام

در مورد حقوق زنان در اسلام امام معتقد به تساوی حقوق مرد و زن در نظام اسلامی هستند و معتقدند که هیچ فرقی بین زن و مرد در اسلام نیست. ایشان در این باره می‌فرمایند: «اسلام زن‌ها را در مقابل مردها قرار داده، نسبت با آن‌ها تساوی دارند. البته یک احکام خاص به مرد است که مناسب با مرد است، یک احکام خاص به زن است که مناسب با زن است. این نه این است که اسلام نسبت به زن و مرد فرقی گذاشته است» (جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، ۱۳۸۶، ص ۲۹).

- نقش زنان در بنای جامعه اسلامی

امام وظیفه زن‌ها را انسان‌سازی و او را مبدأ سعادت معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته بشوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد» (همان منبع، ص ۲۹). به اعتقاد امام «در نظام اسلامی زن به عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد»

ولی نه به صورت یک شیء. نه او حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین ببیندیشند» (همان منبع، ص ۳۹).

ایشان در مورد حق دخالت خانم‌ها در سیاست و حق رأی آنان فرمودند: «خانم‌ها حق دارند در سیاست دخالت بکنند، تکلیفشان است. روحانیون هم حق دارند در سیاست دخالت بکنند، تکلیف آنهاست. دین اسلام یک دین سیاسی است. یک دینی است که همه چیزش سیاست است، حتی عبادتش» (همان منبع، ص ۴۰).

– آزادی زنان در نظام اسلامی از نظر امام(ره)

نظر امام در خصوص آزادی زنان این است که اسلام هیچ‌گاه مخالف آزادی نبوده است و بلکه با مفهوم زن به عنوان شیء مخالفت کرده است. سخن امام در این باره: «زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن آنان به دانشگاه و ادارات و مجلسین به هیچ وجه جلوگیری نمی‌شود. از چیزی که جلوگیری می‌شود فساد اخلاقی است که زن و مرد نسبت به آن مساوی هستند و برای هر دو حرام است» (همان منبع، ص ۵۹).
در جای دیگر امام موافقت اسلام با آزادی زن را بیان می‌کنند و می‌فرمایند: «اسلام با آزادی زن نه تنها موافق است بلکه خود پایه‌گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است» (همان منبع، ص ۵۹).

۳- نتیجه‌گیری

از بررسی آثار حضرت امام خمینی(ره) این‌طور استنباط می‌شود که ایشان خود را نسبت به تغییرات و پیشرفت‌های صورت گرفته در سراسر دنیا پذیرا نشان می‌داد ولی در عین حال متقد و انتخاب‌گر بود. به عبارتی آنچه از تمدن جدید را که با اسلام همخوان بود می‌پذیرفت و با آنچه که در تضاد با احکام دین بود مخالفت می‌کرد. امام خمینی به همگان آموخت که پارادایم ذهنی سنجش تمام شئون زندگی و حتی دین بر اساس علم را تغییر دهند و پارادایم ذهنی نوین یعنی سنجش تمام شئون زندگی و حتی علم و سیاست را با دین بپذیرند. از نظر امام دین اسلام دین کاملی است اما یکی از نشانه‌های کامل بودن اسلام، گشودگی اسلام نسبت به انواع تحولات علمی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است مشروط بر آنکه در راستای تعالی و سعادت بشر باشد و همه انسان‌ها اعم از فقیر و غنی از آن برخوردار شوند. به نظر نویسندگان مقاله، با محور قرار دادن اندیشه و عمل امام خمینی، می‌توان به پاسخ و راه‌حل بسیاری از ابهام‌ها، مشکلات و درگیری‌های فکری، اقتصادی و سیاسی دست یافت؛ به‌طوری که نتیجه و رهاورد این درگیری‌ها و اختلاف‌نظرها به سود ملت و در راستای توسعه همه جانبه کشور باشد و دشمنان اسلام و ایران را ناتوان‌تر سازد.

منابع

- ۱) استضعاف و استکبار از دیدگاه امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.
- ۲) آزادی از دیدگاه امام، انتشارات محدث ۱۳۷۸.
- ۳) پهلوان، عاطفه، آزادی و دموکراسی در اندیشه امام خمینی، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۷۸
- ۴) جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.
- ۵) حج در کلام و پیام امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۵.
- ۶) حسنی، محمدحسین، نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۵.
- ۷) قومیت، ملیت و اندیشه فراملی از دیدگاه امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
- ۸) فوزی، یحیی، اندیشه سیاسی امام خمینی، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴
- ۹) پایگاه اینترنتی www.Imam-khomeini.com

Archive of SID